



منابع مالی حکومت اسلامی

منبع سوم: جزیه

یکی از منابع مالی حکومت اسلامی، جزیه ای است که از اهل کتاب گرفته می شود.

بررسی اهل کتاب بودن مجوسیان

بحث حاضر درباره این است که تعبیر «اهل کتاب» به چه کسانی گفته می شود و بر فرض این عنوان اختصاص به گروه خاصی داشته باشد، افراد و گروه های دیگر از نظر حکمی ملحق به اهل کتاب هستند و یا اینکه جزیه اختصاص به خصوص اهل کتاب دارد. به تعبیر دیگر بحث در این است که موضوع جزیه، صرفاً اهل کتاب هستند و یا اینکه برخی از گروه های دیگر نیز ملحق به آنها هستند. البته گروه های دیگر منحصر در مجوس هستند که با توجه به روایات وارد شده در این زمینه، اهل کتاب بودن آنها محل اختلاف واقع شده است.

صدق تعبیر اهل کتاب بر یهود و نصاری، بدون شک و شبهه است؛ یعنی مصداق کامل و قدر متیقن از اهل کتاب، یهود و نصاری هستند؛ چون از جهت ظهور عرفی و همچنین در لسان متشرعه، به این معنا به کار می رود و در آیات و روایات نیز اهل کتاب بر یهود و نصاری اطلاق شده است. با مراجعه به قرآن کریم و روایات، مسلم و روشن است که این دو گروه جزو اهل کتاب هستند. به عنوان مثال در آیه ۱۵۳ از سوره نساء، تعبیر اهل کتاب بر یهودیان که قوم حضرت موسی علیه السلام هستند، اطلاق شده است.^۱ در آیه ۱۷۱ سوره نساء نیز از این تعبیر برای مسیحیان استفاده شده است.^۲ بنابراین در این جهت بحثی وجود ندارد. بحث حاضر در این است که تعبیر اهل کتاب، منحصر در این دو مصداق است و یا اینکه شامل گروه های دیگر مثل مجوس می شود.

لازم به ذکر است که درباره گروه های دیگر غیر از مجوسیان، مانند صابئین گفته شده است که مسیحی یا یهودی اند و یا ملحق به آنها هستند؛ لذا گروه مستقلی نیستند. بر فرض هم گروه مستقل باشند، اهل کتاب نیستند. علاوه بر اینکه اساساً وجود ندارند و یا اینکه اگر وجود داشته باشند، تعداد آنها بسیار کم است. آنچه بیشتر مورد نیاز است، بررسی اهل کتاب بودن، مجوسیان است.

درباره مجوسیان روایات مختلفی وجود دارد که در سه دسته قابل تقسیم هستند:

دسته اول: مجوس به لحاظ موضوعی جزو اهل کتاب هستند.

دسته دوم: مجوس به لحاظ موضوعی جزو اهل کتاب نیستند و از نظر حکمی نیز ملحق نیستند.

دسته سوم: مجوس به لحاظ موضوعی اهل کتاب نیستند، اما به لحاظ حکمی ملحق به اهل کتاب هستند.

باید این سه دسته از روایات مورد بررسی قرار گیرند تا مساله اهل کتاب بودن یا نبودن مجوسیان روشن گردد.

۱. يَسْأَلُكَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَنْ تُنِزَلَ عَلَيْهِمْ كِتَابًا مِنَ السَّمَاءِ فَقَدْ سَأَلُوا مُوسَى أَكْبَرَ مِنْ ذَلِكَ فَقَالُوا أَرَنَا اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْهُمُ الصَّاعِقَةُ بِظُلْمِهِمْ ثُمَّ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ فَعَفَوْنَا عَنْ ذَلِكَ وَآتَيْنَا مُوسَى سُلْطَانًا مُبِينًا.

۲. يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْفَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةٌ انْتَهُوا خَيْرًا لَكُمْ إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهٌ وَاحِدٌ سُبْحَانَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا.



جلسه: ۸۹
تاریخ: ۱۴۰۴/۰۶/۱۸

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: منابع مالی حکومت اسلامی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

به لحاظ نظر فقها، اگرچه فتاوای همه فقها در دسترس ما قرار ندارد، اما به نظر می رسد که بیشتر فقها قائل شده اند که مجوسیان از نظر موضوعی جزو اهل کتاب محسوب نمی شوند و نهایت در باب جزیه، ملحق به اهل کتاب خواهند بود. روشن شدن صحت یا عدم صحت این نظریه مبتنی طرح روایات نقل شده در این زمینه است.

روایات دال بر اهل کتاب بودن مجوسیان

روایت اول: مرسله ابویحیی واسطی

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي يَحْيَى الْوَاسِطِيِّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا قَالَ: سَأَلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْمَجُوسِ أَكَانَ لَهُمْ نَبِيٌّ فَقَالَ نَعَمْ أَمَا بَلَغَكَ كِتَابُ رَسُولِ اللَّهِ ص إِلَى أَهْلِ مَكَّةَ أَسَلِمُوا وَإِلَّا نَابَذُكُمْ بِحَرْبٍ فَكَتَبُوا إِلَى النَّبِيِّ ص - أَنْ خُذْ مِنَّا الْجِزْيَةَ وَدَعْنَا عَلَى عِبَادَةِ الْأَوْتَانِ فَكَتَبَ إِلَيْهِمُ النَّبِيُّ ص إِنِّي لَسْتُ أَخْذُ الْجِزْيَةَ إِلَّا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ فَكَتَبُوا إِلَيْهِ يُرِيدُونَ بِذَلِكَ تَكْذِيبَهُ رَعِمْتَ أَنْكَ لَا تَأْخُذُ الْجِزْيَةَ إِلَّا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ ثُمَّ أَخَذَتِ الْجِزْيَةَ مِنْ مَجُوسٍ هَجَرَ فَكَتَبَ إِلَيْهِمْ رَسُولُ اللَّهِ ص أَنَّ الْمَجُوسَ كَانَ لَهُمْ نَبِيٌّ فَقَتَلُوهُ وَكِتَابَ أَحْرَقُوهُ أَتَاهُمْ نَبِيُّهُمْ بِكِتَابِهِمْ فِي اثْنَيْ عَشَرَ أَلْفَ جِلْدٍ ثَوْرٍ^۱.

این روایت به جهت اشتغال سند آن بر تعبیر «عن بعض اصحابنا»، مرسل محسوب می شود. البته در صورتی که تمامی روایات کافی حجت دانسته شده و حتی روایات مرسل نیز قابل استناد باشد، روایت ابویحیی واسطی قابل استناد خواهد بود، اما اگر روایات کافی نیز همانند روایات سایر کتاب ها بوده و نیازمند بررسی سندی باشد، این روایت به لحاظ ارسال در سند آن، با اشکال مواجه خواهد بود.

البته شیخ طوسی نیز این روایت را با دو سند نقل کرده اند. یکی از سندهای ایشان، همانند سند مرحوم کلینی است، اما در نقل دیگر، این روایت را از کتاب احمد بن محمد بن محمد نقل کرده است. البته بعد از احمد بن محمد، با نقل شیخ کلینی مشترک است و ابویحیی واسطی به صورت مرسل نقل کرده است. بنابراین هر سه نقل با اشکال ارسال در سند مواجه است.

البته ممکن است ادعا شود که بین ارسال در سند که ناشی از به کار رفتن تعبیری همچون «عن بعض»، «عن رجل» و بین ارسالی که ناشی از تعبیر «بعض اصحابنا» باشد، تفاوت وجود دارد؛ چون تعبیر «بعض اصحابنا» به معنای برخی از بزرگان شیعه است که بزرگان شیعه از وثاقت برخوردار بوده اند.

به نظر ما ثابت نیست که لزوماً تعبیر «بعض اصحابنا» به معنای بزرگان شیعه باشد، بلکه ممکن است کاملاً شخص معمولی بوده باشد؛ چون استفاده از تعبیری مختلف از قبیل «عن رجل» و «عن بعض اصحابنا» به جهت تفنّن در تعبیر بوده است؛ لذا به جهت مشخص بودن راوی از امام علیه السلام، روایت به لحاظ سندی مرسل بوده و فاقد حجیت خواهد بود.

بر اساس این روایت، از امام صادق علیه السلام درباره پیامبر داشتن مجوسیان سوال شده و ایشان بعد از تأیید پیامبر داشتن مجوسیان، به ماجرای نامه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به اهل مکه اشاره می کنند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آنان را به اسلام دعوت کرده و بیان کرده اند که در صورت عدم پذیرش اسلام، باید خود را آماده جنگ نمایند. کفار اهل مکه به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

۱. وسائل الشیعة ۱۵: ۱۲۶.



آله، نامه نوشته و از ایشان درخواست می کنند که از آنان جزیه دریافت کرده و اجازه دهند که به عبادت بت ها ادامه دهند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مجدداً نامه ای به آنها نوشته و بیان می فرماید که جزیه صرفاً از اهل کتاب دریافت می شود. اهل مکه نیز مجدداً برای پیامبر اکرم نامه می نویسند و در مقام تکذیب ایشان ابراز می کنند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گمان کرده اند که جزیه را صرفاً از اهل کتاب دریافت می کنند، در حالی که از مجوس هم جزیه دریافت کرده اند. پیامبر اکرم در پاسخ به دریافت جزیه از مجوسیان نوشته اند که مجوسیان دارای پیامبری بوده اند که او را به قتل رسانده و همچنین دارای کتابی بوده اند که دوازده هزار پوست گاو بوده است، اما آنها آن را سوزانده اند.

روایت ابویحیی واسطی به لحاظ دلالت ظاهر و واضح است که مجوس اهل کتاب هستند؛ چون پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مجوس را ملحق به اهل کتاب ندانسته اند، بلکه به صراحت بیان کرده اند که اهل کتاب هستند.

روایت دوم: روایت دیگر از ابویحیی واسطی

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي يَحْيَى الْوَاسِطِيِّ قَالَ: سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْمَجُوسِ فَقَالَ كَانَ لَهُمْ نَبِيٌّ قَتَلُوهُ وَكِتَابٌ أَحْرَقُوهُ أَتَاهُمْ نَبِيُّهُمْ بِكِتَابِهِمْ فِي اثْنَيْ عَشَرَ أَلْفَ جِلْدٍ ثَوْرٍ وَكَانَ يُقَالُ لَهُ جَامَاسُ^۱.

این روایت نیز توسط ابویحیی واسطی نقل شده است، اما بر خلاف روایت پیشین، با اشکال ارسال در سند مواجه نیست؛ چون ابویحیی واسطی به صورت مستقیم از امام علیه السلام نقل کرده است.

به نظر ما احتمال قوی داده می شود که این روایت، همان روایت پیشین باشد و تعبیر «عن بعض اصحابنا» از سند آن افتاده باشد؛ چون بعید است که عین عبارت را ابویحیی واسطی یک مرتبه خودش از امام علیه السلام شنیده باشد و مرتبه دیگر از بعض اصحابنا نقل کرده باشد. ظن قوی وجود دارد که این چنین نبوده است؛ لذا احراز نمی شود که دو روایت وجود دارد و روایت دوم از ارسال برخوردار نیست.

از نظر دلالتی نیز تفاوت این روایت با روایت پیشین در این است که در روایت پیشین، ابتدا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بیان کرده اند که جزیه را صرفاً از اهل کتاب دریافت می کنند و بعد بیان کرده اند که مجوس نیز دارای پیامبر و کتاب بوده اند. اما در روایت دوم صرفاً اشاره شده است که مجوس دارای پیامبر و کتاب بوده اند، اما تصریح نشده است که اهل کتاب بوده اند. در نتیجه احتمال داده می شود که مجوس، اهل کتاب اصطلاحی نباشند؛ بلکه صرفاً همانند اهل کتاب با آنها عمل شده و از آنها جزیه دریافت شود. کما اینکه در برخی از روایات به صراحت اشاره شده است که صرفاً با مجوسیان، به سنت اهل کتاب برخورد می شود و الحاق حکمی صورت می گیرد. در این روایت نیز ممکن است که صرفاً الحاق حکمی صورت گرفته باشد.

بنابراین اگر این روایت به صورت تنها مورد لحاظ قرار گیرد، نمی توان اهل کتاب بودن مجوسیان را به اثبات رساند. در نتیجه علاوه بر وجود شبهه سندی، دلالت آن نیز دارای ظهور قوی نیست.

۱. وسائل الشیعة ۱۵: ۱۲۷.



روایت سوم: روایت اصبع بن نباته

و فِي الْمَجَالِسِ^۱ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ الْقَطَّانِ وَعَلِيِّ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى الدَّقَاقِ وَمُحَمَّدَ بْنِ أَحْمَدَ السَّنَائِي كُلِّهِمْ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي السَّرِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يُونُسَ عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ أَنَّ عَلِيًّا ع قَالَ عَلَى الْمُنْبَرِ سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي فَقَامَ إِلَيْهِ الْأَشْعَثُ فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ كَيْفَ تُؤْخَذُ الْجَزِيَّةُ مِنَ الْمَجُوسِ - وَلَمْ يُنْزَلْ عَلَيْهِمْ كِتَابٌ وَلَمْ يُبْعَثْ إِلَيْهِمْ نَبِيٌّ فَقَالَ بَلَى يَا أَشْعَثُ قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ كِتَابًا وَبَعَثَ إِلَيْهِمْ نَبِيًّا الْحَدِيثُ^۲.

در این روایت نقل شده است که بعد از اینکه امیرالمؤمنین علیه السلام به مردم بیان می فرمایند که سوالات خود را از ایشان بپرسند، اشعث از امیرالمؤمنین علیه السلام درباره گرفتن جزیه از مجوسیان، در حالی که کتابی بر آنها نازل نشده و پیامبری نداشته اند، سوال می کند و امیرالمؤمنین علیه السلام در پاسخ، بیان می فرمایند که خداوند متعال بر مجوسیان کتاب نازل کرده و همچنین برای آن ها پیامبری ارسال کرده است.

استدلال به این روایت این چنین است که اشعث، در ذهن داشته است که جزیه از اهل کتاب دریافت می شود و از طرف دیگر تصور داشته است که مجوسیان به جهت نداشتن کتاب و پیامبر، جزو اهل کتاب نیستند. امیرالمؤمنین علیه السلام، اگرچه ذهنیت اشعث نسبت به کتاب و پیامبر نداشتن مجوسیان را نفی کرده اند، اما این بخش از ذهنیت اشعث که جزیه از اهل کتاب دریافت می شود، مورد رد و انکار حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام قرار نگرفته است و لذا صحت آن اثبات می شود. بنابراین دلالت این روایت بر اینکه مجوسیان اهل کتاب هستند، از روایت پیشین بهتر است و از نظر عرفی، قابل استناد است. البته سند روایت به جهت اشتغال بر مجاهیل ضعیف است.

روایت چهارم: موثق سماعة بن مهران

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: بَعَثَ النَّبِيُّ ص خَالِدَ بْنَ الْوَلِيدِ إِلَى الْبَحْرَيْنِ - فَأَصَابَ بِهَا دِمَاءَ قَوْمٍ مِنَ الْيَهُودِ - وَ النَّصَارَى وَ الْمَجُوسِ فَكَتَبَ إِلَى النَّبِيِّ ص - إِنِّي أَصَبْتُ دِمَاءَ قَوْمٍ مِنَ الْيَهُودِ وَ النَّصَارَى - فَوَدَيْتُهُمْ ثَمَانِمِائَةَ دِرْهَمٍ ثَمَانِمِائَةٍ - وَ أَصَبْتُ دِمَاءَ قَوْمٍ مِنَ الْمَجُوسِ - وَ لَمْ تَكُنْ عَهْدَتْ إِلَيَّ فِيهِمْ عَهْدًا فَكَتَبَ إِلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ ص - أَنْ دَيْتُهُمْ مِثْلَ دِيَةِ الْيَهُودِ وَ النَّصَارَى - وَقَالَ إِنَّهُمْ أَهْلُ الْكِتَابِ^۳.

سند این روایت به جهت سماعة بن مهران، موثق محسوب می شود. در این روایت ذکر شده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، خالد بن ولید را به بحرین فرستاده و او با این موضوع مواجه می شود که تعدادی از یهود، نصاری و مجوس کشته شده اند. از خالد بن ولید درباره اینکه چه اقدامی باید انجام شود، سوال می شود. او به

۱. مقصود همان امالی شیخ صدوق است.

۲. وسائل الشیعة ۱۵: ۱۲۸.

۳. وسائل الشیعة ۲۹: ۲۱۹.



جلسه: ۸۹
تاریخ: ۱۴۰۴/۰۶/۱۸

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: منابع مالی حکومت اسلامی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نامه نوشته و به خدمت ایشان گزارش می دهند که نسبت به یهود و نصاری دیه پرداخت کرده و اما در مورد مجوس نکته ای از سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نداشته اند که چه اقدامی انجام دهند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در پاسخ خالد بن ولید، نامه ای نوشته و بیان می فرمایند که دیه مجوسیان همانند یهود و نصاری است. در انتهای روایت نیز بیان شده است که آنها اهل کتاب هستند. نسبت به اینکه این تعبیر توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، امام صادق علیه السلام و یا راوی بیان شده باشد، سه احتمال وجود دارد که در صورت اول و دوم قابل استناد خواهد بود. البته صدور این تعبیر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بعید به نظر می رسد؛ چون درباره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تعبیر «کتب» به کار رفته است و دیگر نیازی به «قال» وجود ندارد. بیان شدن این مطلب توسط راوی نیز بعید به نظر می رسد؛ لذا به نظر می رسد که به «قال» که کلام امام صادق علیه السلام را نقل کرده، عطف شده است و مقول قول امام صادق علیه السلام بیان شده است. بنابراین روایت به لحاظ سندی معتبر است و از حیث دلالت نیز قابل استناد است.

روایت پنجم: روایت زراره

و [محمد بن الحسن] بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَجْبُوبٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَجُوسِ مَا حَدَّثَهُمْ فَقَالَ هُمْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ - وَ مَجْرَاهُمْ مَجْرَى الْيَهُودِ وَ النَّصَارَى فِي الْحُدُودِ وَ الدِّيَّاتِ.^۱

سند روایت به جهت ابن فضال، موثق محسوب می شود. البته مضمرة نیز محسوب می شود، اما با توجه به اینکه این اضممار توسط زراره صورت گرفته است، مضمرات زراره مورد قبول فقها قرار دارد. در این روایت به صراحت بیان شده است که مجوسیان از اهل کتاب محسوب می شوند. البته در انتهای روایت اشاره شده است که در حدود و دیات این چنین هستند.

روایت ششم: مرسله شیخ صدوق

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ قَالَ رَوَى أَنَّ دِيَةَ الْيَهُودِيِّ وَ النَّصْرَانِيِّ وَ الْمَجُوسِيِّ - أَرْبَعَةُ آلَافٍ دِرْهَمٍ أَرْبَعَةُ آلَافٍ دِرْهَمٍ لِأَنَّهُمْ أَهْلُ الْكِتَابِ.^۲

این روایت به لحاظ سندی مرسله است و شیخ صدوق به سند آن اشاره نکرده است. علاوه بر اینکه اسناد جز می هم داده نشده است و شیخ صدوق از تعبیر «رَوَى» استفاده کرده اند. تاکنون به شش روایت اشاره گردید که در بین آنها دو خبر ثقه، سه روایت مرسل و یک روایت مسند غیر ثقه وجود دارد که می تواند گفت: در مجموع موثق الصدور هستند و دلالت آنها نیز پذیرفته شده است. بنابراین اگر صرفاً این دسته از روایات وجود داشته باشد، می توان با استناد به آنها بیان کرد که مجوس اهل کتاب هستند.

۱. وسائل الشیعة ۲۹: ۲۲۰.

۲. وسائل الشیعة ۲۹: ۲۲۰.



جلسه: ۸۹
تاریخ: ۱۴۰۴/۰۶/۱۸

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: منابع مالی حکومت اسلامی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

روایات دالّ بر اهل کتاب نبودن مجوسیان

در قبال روایات پیشین که دلالت بر اهل کتاب بودن مجوس دارند، روایات دیگری قرار دارد که دلالت می کنند که مجوسیان اهل کتاب نیستند.

روایت اول: صحیحہ عبدالکریم بن عتبہ هاشمی

اولین روایت از روایات دالّ بر اهل کتاب نبودن مجوسیان، صحیحہ عبدالکریم بن عتبہ هاشمی است که در مباحث پیشین مطرح شده است. این روایت مفصل، مربوط به اوایل از بین رفتن بنی امیه است که عده ای از معتزله به خدمت امام صادق علیه السلام رسیده و از ایشان درخواست داشته اند که به آنها ملحق شده و محمد بن عبدالله بن حسن را به عنوان امام مورد پذیرش قرار دهند. امام صادق علیه السلام از آنها می خواهند که یک فرد را به عنوان نماینده برای خود تعیین کنند تا با او وارد گفتگو شوند. آنها عمرو بن عبید را انتخاب کرده و بین او و امام صادق علیه السلام گفتگویی شکل می گیرد. در بخشی از گفتگوی امام صادق علیه السلام و عمرو بن عبید، بحث از نحوه برخورد با مجوس مطرح می شود که عمرو بن عبید، دعوت آنها به اسلام و سپس دریافت جزیه را ذکر می کنند. نکته حائز اهمیت این است که امام صادق علیه السلام تعبیر «إِنْ كَانُوا مَجُوسًا لَيْسُوا بِأَهْلِ الْكِتَابِ»^۱ را به کار برده اند که در آن، مجوسیان به این وصف توصیف شده اند که اهل کتاب نیستند.

بنابراین صحیحہ عبدالکریم بن عتبہ هاشمی قابل استناد است که مجوسیان اهل کتاب نیستند. به جهت صحت سند روایت و دلالت واضح و روشن آن، بین این روایت و روایاتی که دالّ بر اهل کتاب بودن مجوسیان است، تعارض رخ می دهد.

۱. وسائل الشیعة ۱۵: ۴۱.